

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

محمّد (ص)

نام و نام خانوادگی: سمانه حسینی

داستان پیامبران و انبیاء در حقیقت داستان بشر و سرنوشت انسان در طول تاریخ پر فراز و نشیب ظهور وی در جمال هستی و پیدایش او بر روی زمین می باشد. پیامبران انسان های فرهیخته ای بوده اند که از طرف خداوند به پیامبری مبعوث شدند تا راهنمای ایشان به سوی سعادت و نیک بختی باشند.

پیامبران و رسولان الهی اسوه صبر و مقاومت و خویشتن داری بوده اند آنها با وجود مشکلات و موانعی که بر سر راهشان قرار داشت از هیچ کوشش فروگذار نمی کردند تا به هدف خویش دست یابند و اهداف عالی خود را با نتایج مثبت و ایده آل به دست آورند.

یکی از ویژگیهایی که این انسان های برگزیده داشتند فضایل انسانی ایشان بود یعنی اینکه همچون سایر انسانها می نوشیدند و غذا می خوردند و دارای سایر هوائج و نیازهای یک انسان طبیعی بودند. حال چرا خداوند تبارک و تعالی پیامبران را از میان انسانهای خاکی برگزیده و فرشتگان بارگاه خود را مامور رسانیدن پیامهای خویش نکرد؟

هیچکس از این راز سر بسته الهی آگاه نیست شاید علت آن این باشد که خداوند پیامبران را از بین انسانهای عادی برگزید تا آن ها با توجه به آشنایی که با اقوام و قبایل خویش داشتند بهتر بتوانند ماموریتشان را به انجام می رسانند و مردم را به وحدانیت و توحید راهنمایی کنند.

أَنَا بَشَرًا مِثْلَكُمْ.

هرچند پیامبران هرکدام دارای همه صفات و فضایل پسندیده و الهی بوده اند ولی در هر یک از آن ها یکی از این صفات به دیگری برتری داشته است. همه صفاتی چون صبر، استقامت، دلیری، شجاعت، ایمان... در همه آن ها وجود داشته است. مثلاً ایوب را به صبر و استقامت و صوت و آواز زیبایی حضرت داوود و سلیمان نبی دانستن زبان حیوانات بوده اما در پیامبر خاتم یعنی محمد (ص) جملگی این صفات موجود بوده است به طوریکه او را از سایر پیامبران الهی متمایز نموده است.

هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین بیظهره علی الدین یکه و کفی بالله شهیداً.
محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار

(سوره فتح آیات ۲۷ و ۲۸)

او خدایی است که رسول خود را با قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را به همه ادیان غالب گرداند و به حقیقت این سخن گواهی خدا کافی است محمد (ص) فرستاده خداست و یاران همراهانش به کافران بسیار قوی دل و سخت و با یکدیگر بسیار مشفق و مهربان هستند.

آخرین پیامبر الهی که او را خاتم النبیین می نامند حضرت محمد (ص) می باشد که نام او را چهار بار در سوره های آل عمران، فتح، احزاب و محمد تکرار شده است.

پیغمبر اکرم حضرت محمد بن عبدالله (ص) که نبوت به او پایان یافت در سال ۵۷۰ بعد از میلاد متولد شد.

دوران کودکی

هنوز در رحم مادر بود که پدرش در سفر بازرگانی شام درگذشت جدش کفالت او را به عهده گرفت. از کودکی آثار عظمت فوق العادگی از چهره رفتار و گفتارش پیدا بود. عبدالملک دریافته بود نوه اش آینده ای درخشان دارد.

۸ ساله بود که جدش عبدالملک درگذشت و طبق وصیت او ابوطالب عموی بزرگش عهده دار کفالت او شد. ابوطالب نیز از رفتار عجیب این کودک که به سایر کودکان شباهت نداشت در شگفت یم ماند. هرگز دیده نشد مانند کودکان همسالش نسبت به غذا حرص و علاقه نشان بدهد. به غذای اندک اکتفا می کرد و زیاده روی امتناع می ورزید و برخلاف کودکان همسالش و برخلاف عادت و تربیت آن روز موهای خویش را مرتب می کرد و سر و صورت خود را تمیز نگه می داشت. ابوطالب روزی از او خواست در حضور او جامعه هایش را چون بکند و به بستر رود، او این دستور را با کراهت تلقی کرد و چون نمی خواست از

دستور عمومی خویش تمرد کند به عمو گفت رو یخویش را برگردان تا بتوانم جامه ام را بکنم، ابوطالب از این سخن کودک در شگفت شد، زیرا در عرب آنروز حتی مردان بزرگ از عیران کردن همه قسمتهای بدن خود احتراز نداشتند. ابوطالب می گوید: «من هرگز از او دروغ نشنیدم، کار ناشایسته و خنده بیجا ندیدم، به بازیهای بچه ها رغبت نمی کرد، تنهائی و خلوت را دوست می داشت و در همه حال متواضع بود.»

خصوصیات رسول خدا

تنفر از بیکاری

از بیکاری و بطالت متنفر بود، می گفت «خدایا از کسالت و بی نشاطی از سستی و تنبلی و از عجز و زبونی به تو پناه می برم» مسلمانان را به کار کردن تشویق می کرد و می گفت «عبادت هفتاد جزء دارد و بهترین جزء آن کسب حلال است و امانت»

پیش از بعثت برای خدیجه که بعد به همسریش درآمد، یک سفر تجارتي به شام انجام داد، در آن سفر لیاقت و استعداد و امانت و درستکاریش روشن شد. او در میان مردم آنچنان به درستی شهره شده بود که لقب «محمد امین» یافته بود. امانتها را به او می سپردند پس از بعثت نیز قریش با همه دشمنی ئی که با او پیدا کردند باز هم امانتهای خود را به او می سپردند، از همین رو پس از هجرت به

مدینه، علی علیه السلام را چند روزی بعد از خود باقی گذاشت که امانتها را به صاحبان اصلی برساند.

اخلاق خانوادگی

در خانواده مهربان بود، نسبت به همسران خود هیگونه خشونت نمی کرد، و این بر خلاف خلق و خوی مکیان بود. بدزبانی برخی از همسران خویش را تحمل می کرد تا آنجا که دیگران از این همه تحمل رنج می بردند. او به حسن معاشرت با زنان توصیه و تأکید می کرد و می گفت: همه مردن دارای خصلتهای نیک و بد هستند، مرد نباید تنها جنبه های ناپسند همسر خویش را در نظر بگیرد و همسر خود را ترک کند، چه هرگاه از یک خصلت او ناراحت شود خصلت دیگرش مایه خشنودی او است و این دو را باید با هم به حساب آورید. او با فرزندان و فرزندانگان خود فوق العاده عطف و مهربان بود. به آنها محبت یم کرد روی دامن خویش می نشاند، بر دوش خویش سوار می کرد، آنها را می بوسید و اینها همه برخلاف خلق و خوی رایج آن زمان بود. روزی در حضور یکی از اشراف یکی از فرزندانگان خویش (حضرت منجی «ع» را می بوسید، آن مرد گفت دو پسر دارم و هنوز حتی یکبار هیچکدام از آنها را نبوسیده ام فرمود: من لایرحم لا یرحم کسی که مهربانی نکند، رحمت خدا شامل حالش نمی شود.

نظافت و بوی خوش

به نظافت و بوی خوشو علاقه شدید داشت، هم خودش رعایت می کرد و هم به دیگران دستور می داد. به یاری و پیروان خود تاکید می نمود که تن و خانه خویش را پاکیزه و خشبو نگهدارند. به خصوص روزهای جمعه وادارشان می کرد غسل کنند و خود را معطر سازند که بوی بد از آنها استشمام شود، آنگاه در نماز جمعه حضور یابند.

برخورد و معارشت

در معاشرت با مردم مهربان و گشاده رو بود و در سلام به همه حتی کودکان و بردگان پیشی می گرفت پای خود را جلوی هیچکس دراز نمی کرد. و اگر کسی مریضی بود عیادت می کرد.

عبادت

پاره ای از شب گاهی نصف شب گاهی ثلث و گاهی دو ثلث شب را به عبادت می پرداخت او آرامش کامل را در عبادت و رازب و نیاز با حق می دانست و می یافت. عبادتش به منظور طمع بهشت و یا ترس از جهنم نبود، عاشقانه و سپاسگزارانه بود.

-زهد و ساده زیستی

زهد و ساده زیستی از اصول زندگی او بود. ساده غذا می خورد ساده لباس می پوشید و ساده حرکت می کرد. با دست خود از بز شیر یم دوشید و کفش و

جامه اش را با دست خویش وصله می کرد. در عین سادگی طرفدار فلسفه فقر نبود، مال و ثروت را به سود جامعه و برای مصرف در راههای مشروع لازم می شمرد می گفت:

نعم الحال الصالح للرجل الصالح

چه نیکو است ثروتی که از راه مشروع به دست آید برای آدمی که شایسته داشتن ثروت باشد و بداند چگونه صرف کند.

روش تبلیغ:

ایشان در تبلیغ اسلام سهلگیر بود نه سختگیر، بیشتر بر بشارت و امید تکیه می کرد تا بر ترس و تهدید. «یسر و لاتسر و بشر و لاتنفر»

یعنی آسان بگیر و سخت نگیر نوبد بده میلها را تحریک کن و مردم را متنفر نساز.

تشویق به علم:

به علن و سواد تشویق می کرد. کودکان و اصحابش را وادار می کرد که سواد بیاموزند و می فرمود: دانشجوئی بر هر مسلمان فرض و واجب است و هم حکن را در هر کجا و در نزد هر کس ولو مشرک یا منافق یافتند از او اقتباس کنید. همچنین می فرمودند. علم را جستجو کنید ولو مستلزم آن باشد که تا چین سفر کنید.

رسول اکرم در سال یازدهم هجری یعنی یازدهمین سال هجرت از مکه به مدینه، که بیست و سومین سال پیامبری او شصت و سومین سال از عمرش بود درگذشت در حالی که جامعه ای نو بنیاد و مولو از نظاط روحی و مومن به یک ایدئولوژی سازنده که احساس مسئولیت جهاین می گرد تاسیس کرد و باقی گذاشته بود.

تاریخ هرگز شخصیتی مانند او یاد ندارد که در همه ابعاد انسانی در حد کمال و تمام بوده باشد. او به راستی انسان کامل بود.

منابع

تاریخ انبیاء (قصص القرآن) شهباز آزادمهر
انسان در جهان بینی اسلامی مرتضی مطهری